

گاهنامه مذهبی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی عمار

## تحلیل ۱

زینب سلیمانی :

خانواده سربازان آمریکایی در غرب آسیا، در انتظار مرگ فرزندانشان روزها را سپری خواهند کرد.

یکی یک تفنگ بدهد بدست دختر سلیمانی و بگوید این گوی و این هم میدان، حالا برو انتقام بگیر. پدر این خانم یک تروریست و آدمکش حرفه ای بود که فقط یکی دوفتر با کمک او کشته نشدن. فقط درسوریه با کمک سلیمانی نزدیک به نیم میلیون کشته شدند و میلیونها آواره شده اند. در ایران هم در خیلی از قتل عام ها دست داشت، اگر خودش گاهی مستقیماً شلیک نکرده ولی با اعترافات خودش دستور شلیک را داده است.



ارتش آمریکا چرا تروریست نباشد؟ کم تصویراز آمریکایی ها دیده ایم که در ویتنام مردم را سلاخی کرده اند؟ چرا بلک و اتر تروریست نباشد که مردم عراق را در وسط شهر و پشت چراغ قرمز تیر باران کرد؟ چرا ارتش اسرائیل تروریست نباشد وقتی در غزه و قانا مردم را تکه تکه کرد؟ چرا انگلیس تروریست نباشد وقتی در هندوستان نسل کشی کرده؟ دلیلش ساده است وقتی که بلند گوهای اسرائیل و آمریکا و انگلیس بلند تر از بلندگوهای جهان است و جای قهرمان و تروریست را عوض میکند. و مرد را نامرد جلوه میدهد.



## تحلیل ۲

من امروز برای اولین بار معنای جهل و حماقت را با تمام وجودم درک کردم، بعد از اینکه دیدم تعدادی از مردم کشورم برای مرگ زندانبانان عازاری میکنند...

مرگ سلیمانی نشان داد که جهان سومی بودن یعنی چه، جهل و فقر فرهنگی یعنی چه... مرگ سلیمانی نشان داد که اکثر کانال های تلگرامی به ظاهر مردمی و اجتماعی یا وابسته و امنیتی هستند و یا نان به نرخ روز خور...

مرگ سلیمانی نشان داد که کسی دل برای ما نمیسوزاند و خودمان باید به فکر خودمان باشیم... انتقام ما فرا میرسد... انتقام برای پویا بختیاری و دیگر شهیدان راه آزادی



باید فاتحه فرهنگی را خواند که قیام یک ملت در برابر به ناحق ریخته شدن خون سردارشان را که خالصانه چندین دهه برای دفاع از مظلومین جهان و برقراری امنیت همین افرادی که قیام عظیم مردم را فقر فرهنگ و شعور می دانند، خواند. آیا واقعا عازاری مردم و خون خواهی از قهرمان ملی شان که خونش به ناحق توسط وقیح ترین افراد دنیا ریخته شد، فقر فرهنگی است؟ شاید بهتر بود این سوال را وقتی مطرح می کردیم که بدون مجاهدت های سردار سلیمانی و مدافعان حرم، داعش و بیگانگان خدایی نکرده دستشان را به خون مردم این ملت آلوده میکردند، آن وقت چه پاسخی میخواستن بدهند!



## گزارش مراسم تشییع سپهبد

غروب خود بود، مراسم تدفین به دلیل استقبال زیاد جمعیت به تعویق افتاده بود و سعی در متفرق کردن مردم داشتند اما مگر کسی تاب دور شدن از گلزار را داشت؟! حتی مردمی که از شب قبل از مراسم هم آمده بودند حاضر نبودند گلزار را رها کنند، کیلومتر ها پیاده روی کرده بودند اما کسی حوصله استراحت هم نداشت! دوازده سیزده ساعت از شروع مراسم گذشته بود و تعدادی از مردم برگشته بودند اما باز هم جمعیت زیادی در محل دفن حاضر بودند.

مردم عزادار با وجود همه ی شرایط سخت، ساعت ها بعد از اعلام خبر به تعویق افتادن تدفین هم در کوه های صاحب الزمان حضور داشتند تا شاید لحظه ای از زمان های حضور سردار در کوه ها و بیابان های ایران و عراق و سوریه و لبنان برای دفاع از اسلام و کشور های اسلامی را جبران کنند. ساعت حوالی دو بامداد خبر حمله ی موشکی پخش شد و گویی روح تازه ای در بدن حاضران دمیده شد... صدای لیبیک یا خامنه ای و الله اکبر بود که در فضا پیچیده بود... ملتی که عزادار سردار بزرگ ایران بودند و دلشکسته از گریه های رهبر، اندکی خوشحال شدند در اوج ناامیدی هم می شود به انتقام سخت امیدوار بود، مگر نه اینکه خدا در قرآن می گوید: ایس صبح بقریب؟! سردار را شبانه و نزدیک اذان صبح به خاک سپردند، ایام فاطمیه و دفن شبانه دل های همه را به کوچه های مدینه برد و شبی که بی بی فاطمه (س) را بین در و دیوار شهید کردند (چه فاطمیه ای شد امسال) چه بر سر امام علی (ع) آمد، خدا می داند!

اکنون نیز چه غمی بر دل رهبرمون سید علی نشسته است خدا میداند! اشک روی صورت همه جاری بود و قلب ها شکسته... اما گویی این بیت شعر در روح و جان مردم نفوذ کرده بود که اشتیاق انتقام جویی را در آن ها زنده نگه میداشت: گر چه یاران همگی بار سفر بر بستند.

شیرمدی چو علی خامنه ای هست هنور

سردار، سپهبد، حاجی، فرمانده نیروهای قدس، مدافع حرم و حالا #شهید حاج قاسم سلیمانی

کسی که دشمن حتی از اسم و تصاویرش بعد از شهادت نیز میترسد (اینستاگرام ترسو) از حال و هوای ایران زمان شنیدن خبر شهادت و تشییع باشکوه در شهر های مختلف ایران و عراق و گریه های رهبر بر جنازه ایشان که بگذریم تدفینش در کرمان اما حال و هوای دیگری داشت...

اولین چیزی که توجه همه را جلب کرده بود جمعیت زیاد و میلیونی مردم بود، مردمی که از شهر های مختلف ایران و حتی جهان جمع شده بودند تا جسم این انسان بزرگ را به آرامگاه ابدیش بسپارند، حضور این جمعیت زیاد در یکی از تلخ ترین خداحافظی های تاریخ ایران چندان دور از پیش بینی هم نبود، کم کسی را که به خاک نمی سپردیم، سردار دلها بود که تشییع و تدفین میشد و ملتی ک عزادار او بودند مات و مبهوت جنازه هارا همراهی میکردند...

بدون شک کرمان دیگر چنین جمعیتی به خود نمی بیند! موکب های اربعین امام حسین (ع) اینبار از گوشه گوشه ی ایران آمده بودند تا آغوش خودشان را برای عزاداران سردار امام حسین (ع) باز کنند.

کربلا رفته ها میفهمند تک تک قدم هایی که همراه با جنازه سردار به سمت گلزار شهدا برداشته میشد خاطرات و حال و هوای اربعین را زنده میکرد. قدم قدم با یه علم موکبارو میگردد... اما اینبار در تشییع جنازه علمدار ایران.

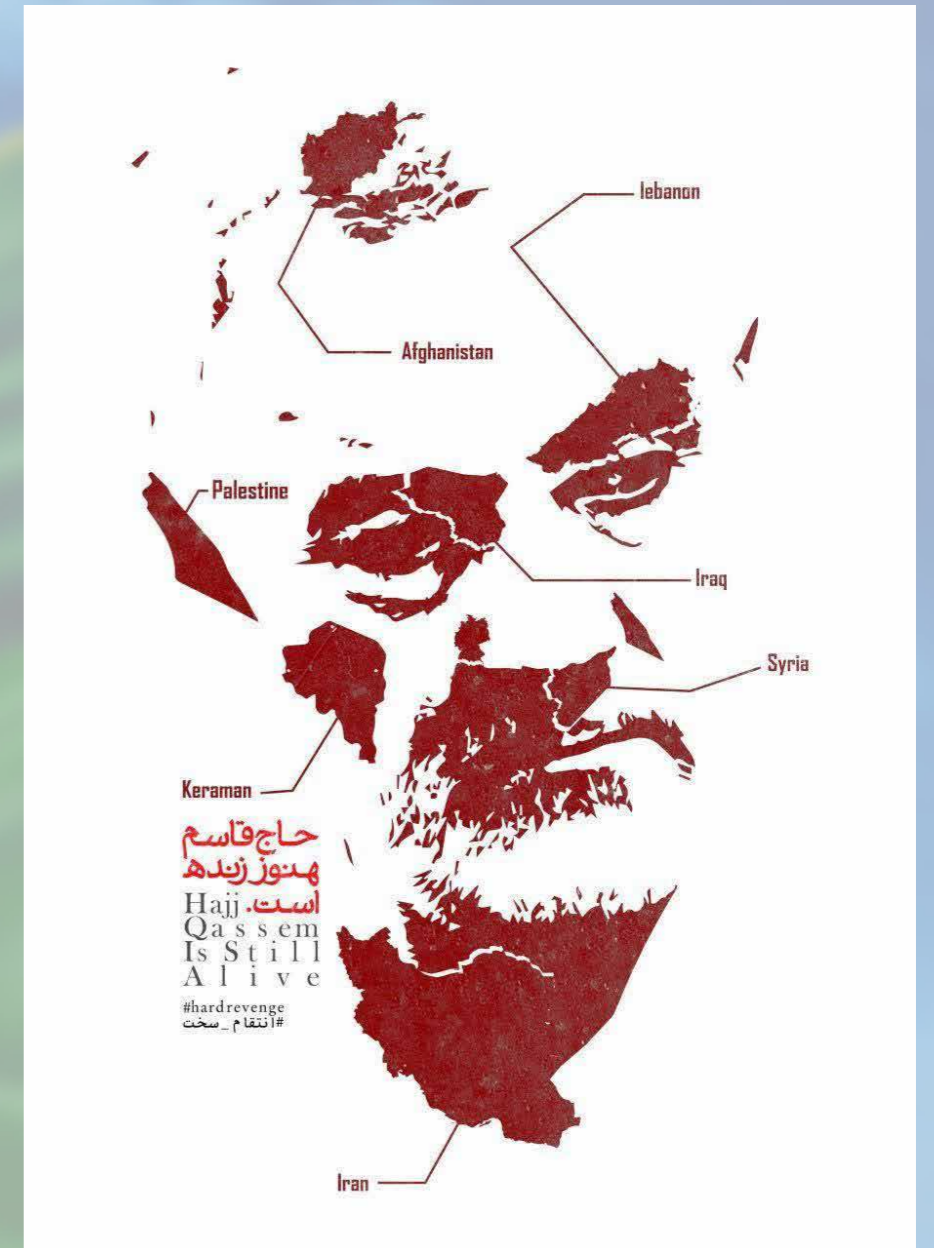
سرد بود

شلوغ بود

مسیر طولانی بود

اما محبوبیت حاج قاسم این حرف ها حالیش نمی شود، هر لحظه به تعداد جمعیت و به شور و اشتیاق مردم اضافه میشد و همه یک صدا و از صمیم قلب #انتقام - سخت را فریاد می زدند.

کم کم هوا تاریک میشد و کرمان شاهد غم انگیزترین



## سرمقاله

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ  
روح سردار بزرگ ما شاد که فرمود: اگر زیر آسمان یک ملت باشد که لیاقت نابود کردن آمریکا را داشته باشد، ماهستیم.

و تو ای مالک سیدعلی، چه جوانمردانه رسالت خود را به پایان رساندی، خوشا بحالت که اینگونه به وصال یار رسیدی و شیرینی آن را چشیدی.

مالک اشتر ولی، مالک اشتر سیدعلی، زبانم، قلمم عاجز بود که در وصف تو سردارم چیزی بگویم و بنویسم که خود، خود در دلم نشانندی.

وما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی...

مدیر مسئول: فهیمه بزرگر

سردبیر: امیرحسین عباسپور

نویسنده گزارش: عزیزه قطب الدینی

نویسنده تحلیل ها: فاطمه ضیاءالدینی

طراح: محمد باهری

